

کالبدشکافی نقش قدرت نرم و دیپلماسی رسانه ای در تامین امنیت ملی ج.ا.ایران: مطالعه موردی بیداری اسلامی

هادی ابراهیمی^۱

چکیده:

تحولات اخیر موسوم به بیداری اسلامی که در خاورمیانه و شمال آفریقا در جریان است، به دلیل اهمیت مناطق مذکور، تمام بازیگران قدرتمند بین المللی و منطقه ای سعی در تأثیرگذاری بر این تحولات مطابق دیدگاه های مبتنی بر امنیت و منافع ملی خود دارند؛ لذا ج.ا.ایران نیز از این امر مستثنی نخواهد بود، چراکه از یک سو نقش الهام بخشی در شکل گیری این تحولات داشته و از سوی دیگر به عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران منطقه با ماهیت اسلامی و فراملی انقلاب اسلامی خواهان افزایش نفوذ خود در راستای عملی ساختن اهداف سیاست خارجی خود می باشد. سوالی که مقاله حاضر قصد دارد به آن بپردازد این است که ج.ا.ایران به عنوان مهم ترین کشور تأثیرگذار در شکل گیری این موج عظیم، چگونه و از طریق چه ابزاری باید سیاست خارجی خود را تنظیم نماید تا حداکثر بهره برداری را از جریانات کنونی به سود گسترش هر چه بیشتر نفوذ، منافع، آرمان ها، ارزش های اسلامی و در مجموع افزایش ضریب امنیت ملی خود ببرد و همچنین مانع از منحرف ساختن بیداری اسلامی از مسیر اصلی خود و مصادره این حرکت های مردمی و اسلامی از سوی ابرقدرت ها به ویژه آمریکا گردد. در این راستا فرضیه مقاله حاضر، تمرکز به روی قدرت نرم، دیپلماسی رسانه ای و استفاده مطلوب از شاخص های بارز آن داشته که بطور حتم مولفه یاد شده یکی از مهم ترین ابزار کاربردی سیاست خارجی در جهت دستیابی به اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می باشد.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، خاورمیانه، اهداف فراملی سیاست خارجی، قدرت نرم، امنیت ملی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ebrahimih56@yahoo.com

مقدمه:

جنبش‌های مردمی موسوم به بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که از دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس آغاز و با سرنگونی حکومت‌های عربی تونس، مصر، لیبی و یمن ادامه یافت و هم اکنون در بحرین و شرق عربستان جریان دارد را باید موج سوم بیداری اسلامی دانست. گرچه اصطلاح بیداری اسلامی متأخر است اما به نظر می‌رسد در واکاوی تاریخی این مقوله از قدمتی طولانی برخوردار است و حقیقت آن است که آنچه در تحولات اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رخ داده است موج جدید و نوظهور و البته نه پایانی آن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر شاید بهتر باشد به جای موج بیداری اسلامی از امواج بیداری اسلامی سخن گفت؛ در این میان ۳ موج بیداری اسلامی قابل شناسایی است:

۱. موج اول بیداری اسلامی (از مبارزات سید جمال اسدآبادی تا نهضت امام خمینی (ره))
۲. موج دوم بیداری اسلامی (از نهضت امام خمینی (ره) یا انقلاب اسلامی ایران تا جنبش‌های مردمی کنونی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا)

۳. موج سوم بیداری اسلامی (از پیدایش تحولات اخیر تا کنون) (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

توضیح آنکه آنچه سید جمال جهت مبارزه برای استقلال، توسعه و پیشرفت جهان اسلام مطرح و بر آن تأکید کرد شامل: مبارزه با استبداد و خودکامگی، بازگشت به اسلام اصیل و اولیه، لزوم مبارزه با استعمار خارجی، ضرورت اتحاد جهان اسلام، بازگرداندن روحیه جهاد و مقاومت و مبارزه به جامعه اسلامی را می‌توان نقطه شروع این موج دانست. این موج به عنوان یک تجربه ارزنده توانست زمینه ساز موج عظیم‌تری در جهان اسلام شود و در نهضت امام خمینی (ره) عمق بیشتری یابد. در حقیقت نهضت انقلابی و اسلامی امام (ره) اوج تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تبلور همه آمال و آرمان‌های انقلابی نهضت‌هایی بود که قبلاً به وقوع پیوسته بودند.

بیداری اسلامی از طریق محور قرار دادن اسلام سیاسی پویا و عملگرا، احیای مفاهیمی چون جهاد، شهادت، ظلم ستیزی، عدالت طلبی، نفی سلطه کافران و ارائه تقسیم بندی نوینی از جهان بر مبنای مستکبران و مستضعفان و استقرار نظام سیاسی مردم سالار دینی با عنوان جمهوری اسلامی ایران، به اسلام در جهان هویت جدیدی بخشید. امام خمینی ره که خود آغازگر موج دوم بیداری اسلامی است در این باره تصریح می‌کنند: "آنچه ما بدست آوردیم این است که ما اسلام را در اینجا

زنده کردیم، پیش‌تر اسمی از اسلام بود و لیکن اسلام اصلش نبود یعنی اصلش دعوا با اسلام بود می‌خواستند اسلام زدایی کنند." (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۷: ۷۰)

با توجه به مطالب بالا و با در نظر گرفتن نقش نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در شکل‌گیری تحولات کنونی، سوالی که این مقاله به دنبال یافتن پاسخ برای آن است این است که با توجه به شرایط پیش آمده موسوم به بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین کشور تأثیرگذار در شکل‌گیری این موج، چگونه و از طریق چه ابزاری باید سیاست خارجی خود را تنظیم نماید تا حداکثر بهره‌برداری را از جریانات کنونی به سود گسترش هر چه بیشتر نفوذ، منافع، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی خود ببرد و مانع از منحرف ساختن بیداری اسلامی از مسیر اصلی خود و مصادره این حرکت‌های مردمی و اسلامی از سوی ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا گردد. فرضیه مقاله حاضر، تمرکز به روی قدرت نرم، دیپلماسی رسانه‌ای و استفاده مطلوب از ابزارها و شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی در راه دست‌یابی به اهداف مذکور در نظر گرفته است. حال با توجه به بیداری اسلامی در عصر حاضر، قدرت نرم به عنوان یکی از ابزارهای اساسی و کاربردی امنیت ملی، چه نقشی می‌تواند در موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ فرضیه پژوهش بر این باور است که استفاده از ظرفیت‌ها و ابزارهای موجود در جمهوری اسلامی ایران، جهت دستیابی و تحقق اهداف و اقتدار ملی با توجه به تهدیدهای خارجی و نیز عنایت به اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران منطقه با ماهیت اسلامی و فراملی انقلاب اسلامی می‌تواند نقش موثری داشته باشد.

اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال تحولات موسوم به بیداری اسلامی

رابطه تنگاتنگ و وثیقی بین منافع ملی و اهداف سیاست خارجی وجود دارد. به گونه‌ای که بسیاری از مواقع این دو مترادف و مساوی یکدیگر به کار می‌روند. رابطه میان منافع ملی و اهداف سیاست خارجی رابطه میان عام و خاص است. به عبارت دیگر، اهداف سیاست خارجی هر کشور از جمله ج.ا.ایران را باید به صورت خاص و جزئی‌تر از منافع ملی در نظر گرفت. بنابراین اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران، ارزش‌ها و مقاصد است که کشور به صورت عملی در عرصه بین‌المللی و در تعامل با دیگر بازیگران بین‌المللی تدوین و پیگیری می‌کند. با توجه

به ماهیت و مصادیق منافع ملی ایران، اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران به دو دسته ملی و فراملی یا اسلامی تقسیم می‌شوند. اهداف ملی معطوف به حفظ و افزایش ارزش‌هایی است که ضرورت و فوریت دارد و در چارچوب مرزهای ملی و قلمروی سرزمینی ایران تعیین می‌یابد. اهداف فراملی از ماهیت انقلاب اسلامی و هویت اسلامی جمهوری اسلامی نشأت می‌گیرد و ناظر بر پیگیری و تأمین ارزش‌هایی در خارج از مرزهای سرزمینی ایران جهت شکل دادن به محیط خارجی و نظم بین‌المللی است. تحولات موسوم به بیداری اسلامی اگر چه تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته اما خود شرایط مساعدی را برای پیگیری هر چه بیشتر اهداف بین‌المللی کشور فراهم ساخته که در این بخش به اهداف مذکور اشاره می‌شود.

۱. خروج کشورهای درگیر تحولات از ائتلاف ضد ایران در جهان عرب

یکی از اهداف اولیه سیاست خارجی کشور توسعه روابط با حکومت‌های جدید برخاسته از تحولات کنونی و خارج نمودن کشورهای مذکور از ائتلاف ضد ج.ا.ایران در جهان عرب است. ۲ عامل را می‌توان در شکل‌گیری این ائتلاف مؤثر دانست؛ عامل اول؛ اقدامات آمریکا و شرکای غربی‌اش برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های برخاسته از انقلاب اسلامی ایران شامل ایران‌هراسی، تبلیغات منفی علیه ج.ا.ایران و اسلام شیعی و امنیتی کردن ج.ا.ایران است. عامل بعدی، نیز ماهیت استبدادی و محافظه‌کار رژیم‌های موجود در جهان عرب که تحمل یک ایران انقلابی و مردم‌سالار را نداشتند. تحولات کنونی شرایط بسیار مناسبی را برای کشور فراهم آورده که می‌توان با استفاده درست و منطقی از آنها در راستای اعتمادسازی شرایط را برای پیگیری سایر اهداف سیاست خارجی فراهم ساخت. این امر بیشتر در مورد مصر که سال‌ها رهبری ائتلاف ضد ایرانی در جهان عرب را بر عهده داشته، مصداق می‌یابد. توسعه روابط با مصر تأثیرات زیادی بر معادلات سیاسی و امنیتی منطقه به سود ج.ا.ایران در بر خواهد داشت. (مرجانی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۵)

۲. صدور انقلاب

رسالت جهانی و جهانشمول اسلام از یک سو و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی از سوی دیگر، صدور انقلاب را به فراسوی مرزهای سرزمینی ایران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. به گونه‌ای که اشاعه آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورها و جوامع به صورت یکی از اصول اساسی

ج.ا.ایران تعیین می‌گردد. امام خمینی (ره) صدور انقلاب را به معنای لشکرکشی ندانسته بلکه بعد فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تعریف و منظور ایشان رساندن حرف انقلاب اسلامی به جهانیان است که وزارت خارجه یکی از مراکز عهده‌دار این مسئولیت است. در حقیقت، هدف، تبیین و سپس ترویج مسالمت آمیز پیام و مواضع انقلاب اسلامی به جهانیان است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۳) اگرچه تحولات کنونی تا حد زیادی تحت تأثیر انقلاب اسلامی به عنوان موج دوم بیداری اسلامی می‌باشند، و خود نیز فضای مساعدی را برای ترویج هر چه بیشتر آرمان‌های انقلاب به ویژه در میان نسل جدید کشورهای مذکور فراهم می‌آورند.

۳. الهام بخشی در جهت گسترش فرهنگ اسلام سیاسی و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر اسلام (مردم سالاری دینی)

مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی که استکبار جهانی را نگران نموده است تجربه مردم سالاری دینی یعنی ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بنا به خواست مردم و تأکید بر مشارکت هر چه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خود است. مشکل اصلی غرب با ایران، دست آوردهای علمی، نرخ رشد بالای علم و فناوری، دستیابی به فناوری‌های نوین، از جمله فناوری‌های هسته‌ای، ماهواره‌ای و موشکی، نیست، هر چند جای بسی غرور و افتخار برای ملت بزرگ ایران است که به چنین درجه‌ای از علم و فناوری و قدرت سخت و نیمه سخت در منطقه دست یافته است. مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران ارائه الگو و مدلی برای حل مشکلات عدیده‌ای مانند استبداد داخلی، وابستگی خارجی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و توسعه نیافتگی است که با تجویز آن توانست تجربه‌ای از سیاست (Policy) و حکومت را ارائه کند که به عنوان بدیلی برای نظام‌های موجود در منطقه جذاب باشد. تحولات کنونی می‌تواند نقطه عطفی در الهام بخشی مردم سالاری دینی به مردم منطقه باشد. (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

۴. گسترش وحدت جهان اسلام و توسعه همگرایی با حکومت‌های جدید

از آنجا که اکثریت مسلمانان در کشورهای درگیر تحولات را اهل تسنن تشکیل می‌دهند و تلاش دشمن از گذشته تا کنون همواره بر مبنای ((تفرقه بینداز و حکومت کن)) بوده، بنابراین

باید در تعقیب اهداف سیاست خارجی، تلاش همه جانبه‌ای را برای همگرایی میان مسلمانان فرق مختلف صورت داده و از هر نوع تفرقه و تشدید اختلاف جلوگیری کرد. همچنین باید از طریق یک سیاست خارجی فعال به اعتمادسازی و توسعه روابط در بخش‌های مختلف با حکومت‌های جدید برخاسته از تحولات کنونی اقدام شود.

۵. ارائه یک چهره مثبت به مردم منطقه از ج.ا.ایران

دشمن همواره در پی تخریب چهره ج.ا.ایران در محیط جهانی و منطقه‌ای در دید مردم با بهره‌گیری از استعارات قوی و تأثیرگذار، اما ناخوشایند، توهین آمیز و ناپسند به کلیت کشور و افراد صاحب نفوذ در جهان اسلام با انتخاب نام‌هایی با بار هیجانی و شدید بوده و هست. مفاهیمی نظیر محور شرارت، تروریست، بنیادگرایی اسلامی، انتخابات فرمایشی، ارتجاع مذهبی، نظام سرکوب، رژیم توتالیتر، آپارتاید مذهبی و... بخشی از آنهاست که باید با استفاده از موقعیت پیش آمده خنثی شده و حقیقت انقلاب و نظام ج.ا.ایران به مردم منطقه شناسانده شود. (برزنونی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

۶. خنثی سازی (Neutralization) طرح خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه (Middle East) بزرگ در واقع طرحی در راستای تلاش‌های غرب به ویژه آمریکا برای کنترل و مهار اندیشه‌های برخاسته از انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. هجمه به این دیده تحت عنوان مقابله با بنیادگرایی اسلامی، مبارزه با تروریسم و نهایتاً در غالب اجرای طرح خاورمیانه بزرگ آغاز شد. تردیدی نیست که تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی دولت آمریکا از مبارزه خود با تروریسم و بنیادگرایی یک اصل را دنبال می‌کنند و آن تقابل با بیداری و احیاءگری اسلامی است که این تقابل را در قالب یک پروژه گسترده و وسیعی به نام طرح خاورمیانه بزرگ ریخته‌اند. چارچوب این طرح به صورت پراکنده در بیانات مقامات آمریکایی آشکار می‌باشد؛ اگرچه در این طرح نامی از جهان اسلام نبرده و صرفاً به عنوان خاورمیانه بزرگ بسنده کرده‌اند، ولی با نگاهی به برنامه‌های آنها و حوزه عملیاتی این طرح مسجل می‌گردد که این طرح برای جهان اسلام تنظیم و ترسیم شده است. نقشه‌های ترسیمی در پنتاگون که در آن بخش عمده و اصلی منطقه جغرافیایی اسلام را در بر می‌گیرد که از آن با عنوان ((هلال بحران)) یاد کرده‌اند، بیانگر این واقعیت می‌باشد.

اصول حاکم بر طرح خاورمیانه بزرگ به شرح زیر است:

۱-۶ دین زدایی و مقابله با فرهنگ اسلام سیاسی.
۲-۶ تغییر نظام‌های حاکم در این منطقه در جهت حاکمیت سکولاریسم و تحت عنوان گسترش دموکراسی. در این طرح نظام‌های موجود در جهان اسلام را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

۱-۲-۶ نظام‌های خطرناک

۲-۲-۶ نظام‌های بیمار (که هر دو باید متحول شده و تغییر یابند.)

۳-۶ تجزیه کشورها و تغییر جغرافیایی مرزهای موجود در جهان اسلام جهت تسهیل سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن.

۴-۶ حضور گسترده نظامی در این منطقه به منظور محدود کردن استقلال و حاکمیت ملی کشورهای اسلامی و سرکوب مستقیم قیام‌های مردمی و ضداستکباری از طریق تأسیس پایگاه‌های متعدد نظامی. (محمدی و متقی، ۱۷۲-۱۷۱)

وقوع تحولات کنونی در خاورمیانه و شمال آفریقا نشانگر شکست این طرح در جهان اسلام می‌باشد اما این به معنای دست کشیدن آمریکا از تلاش‌های خود جهت اجرای طرح مذکور نخواهد بود. بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور باید با بهره‌گیری از تمامی امکانات خود و استفاده از فرصت پیش آمده بیش از پیش در راستای افشای ماهیت این طرح و خنثی سازی آن بکوشد.

۷. تلاش در جهت یکسان‌سازی قواعد هنجاری میان کشورهای مسلمان:

تمامی واحدهای اسلامی دارای زیرساخت‌های فرهنگی و هویت دینی می‌باشند اگرچه این مؤلفه‌ها طی سال‌های گذشته از نقش محدودتری برخوردار شده‌اند، اما شواهد حاکی از آن است که می‌توان سطح مشخصی از فرهنگ دینی با رویکردهای اسلامی را در تمامی کشورها مورد ملاحظه قرار داد. در این زمینه تلاش‌های فراگیری از سوی نهادهای سیاسی و دینی در کشور صورت گرفته است. اما علاوه بر تلاش‌های انجام شده، هنوز نتایج مطلوب در روابط ایران با کشورهای اسلامی حاصل نگردیده است. نسل جدید شهروندان کشورهای اسلامی اگر چه به بنیان‌های دینی اعتقاد دارند و به انقلاب اسلامی با علاقه‌مندی نظر می‌افکنند، اما الگوهای مورد نظر ایران را با تأمل و ابهام مورد توجه قرار می‌دهند. این امر را می‌توان به

عنوان محدود بودن سطح تعاملات فرهنگی تلقی نمود. طبعاً اهداف استراتژیک ج.ا.ایران ایجاب می‌کند تا سطح گسترده‌تری از الگوهای همکاری جویانه مورد پیگیری قرار گرفته و به نشانه‌های رفتاری و ایدئولوژیک نسبتاً یکسانی دست یافت. موقعیت پیش آمده امکان خوبی را برای سیاست خارجی جهت هنجارسازی فراهم نموده است. دستگاه دیپلماسی می‌تواند از این شرایط در راستای گسترش هنجارهای برخاسته از انقلاب اسلامی استفاده نموده و به نوعی به صدور انقلاب بپردازد.

۸. مقابله با برنامه‌های غرب برای استحاله فرهنگی به ویژه مقابله با فرهنگ شیعی:

غرب به رهبری آمریکا همواره تلاش نموده که با تزریق فرهنگ و ارزش‌های غربی به جهان اسلام به مقابله با فرهنگ اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی برخیزد؛ زیرا انقلاب اسلامی مستقیماً به مقابله با فهم رایج از نقش خنثی و خاموش مذهب در سیاست و اخلاق پرداخته است. در این راستا اقداماتی نظیر: تغییر برنامه‌های آموزشی، ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه مسلمانان به ویژه ایرانیان و اعراب، ترویج سکولاریسم، رواج فساد و فحشا و... را می‌توان نام برد. مایکل برانت معاون سابق سیا در مورد مقابله با فرهنگ شیعی می‌گوید:

«تحقیقات ما را به این نتیجه رساند که به طور مستقیم نمی‌توان با مذهب شیعه روبرو شد و امکان پیروزی بر آن بسیار سخت است و باید پشت پرده کار کنیم. ما به جای ضرب المثل انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن از سیاست اختلاف بینداز و نابود کن استفاده می‌کنیم. در همین راستا برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را برای سیاست‌های بلند مدت خود طرح کردیم. حمایت از افرادی که با مذهب شیعه اختلاف دارند، ترویج کافر بودن شیعیان به گونه‌ای که در زمان مناسب علیه آنان توسط دیگر مذاهب اعلام جهاد شود. همچنین باید تبلیغات گسترده‌ای را علیه مراجع و رهبران دینی شیعه صورت دهیم تا آنان مقولیت خود را در میان مردم از دست بدهند. یکی طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگاه می‌دارند.» (منصوری، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱) تحولات موسوم به بیداری اسلامی شرایط مناسبی را برای خنثی سازی این پروژه و گسترش فرهنگ برخاسته از انقلاب فراهم نموده است.

۹. گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مذکور:

با وقوع تحولات موسوم به بیداری اسلامی نه تنها زمینه برای همبستگی هر چه بیشتر فرهنگی فراهم شده بلکه شرایط جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی دو جانبه و چندجانبه نیز مهیا شده است. لذا سیاست خارجی می‌بایست از بعد اقتصادی بهره‌برداری از تحولات کنونی غافل نشده و با توجه به ایجاد یک بازار مصرف جدید برای کشور، مکانیسم‌های لازم را برای توسعه روابط تجاری فراهم نماید.

قدرت نرم به عنوان مهم‌ترین ابزار پیگیری اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال بیداری اسلامی مفهوم‌شناسی قدرت نرم:

برای تعریف قدرت نرم، باید ابتدا به تعریف قدرت پرداخت. قدرت، توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است، به نحوی که آنچه می‌خواهیم، اتفاق بیفتد. در یک طبقه‌بندی قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود. جوزف نای، تحلیل‌گر آمریکایی بر این باور است که هر چند قدرت نرم و سخت درهم تنیده‌اند ولی قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست. به گفته نای قدرت نرم توانایی بدست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن - به جای اجبار و با امتیاز - می‌باشد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم ما تقویت شده است. در واقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید که آنچه شما می‌خواهید بپذیرند، بدون اینکه در این راه هزینه زیادی (امتیاز و اجبار) صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده اید. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲)

این شیوه قدرت بر پایه تبدیل تمایلات به برون‌دادها شکل می‌گیرد و موضوع آن به جای اجبار، جذابیت است. در این شیوه قدرت بر پایه اقتناع دیگران برای پیروی یا موافقت با هنجارها و نهادهایی است که رفتار خواسته شده را تولید می‌کنند. این پیروی بیش از هر چیز منوط به درجه متقاعدکنندگی اطلاعات در دسترس است که یک بازیگر در جست‌وجوی انتقال آن است. (Nye, 2004: 15)

ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در نظریه گرامشی نیز دانست. گرامشی با کمک

گرفتن از واژه هژمونی در صدد نشان دادن چهره واقعی نظام سرمایه‌داری نهان در پس پرده جاذبه‌های ظاهری آن بود. او معتقد بود نظام سرمایه‌داری با بهره‌گیری از این جاذبه‌ها اقدام به تولید قدرت می‌کند و با این اقدام، مانع شکل‌گیری مقاومت در برابر اهداف خود می‌شود. (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۰۶) لذا قدرت نرم یا جذب قلوب و افکار در سیاست بین‌الملل موضوع پر اهمیتی است که از منابع مهم آن فرهنگ، علم و فناوری و عوامل نامحسوس می‌باشد. (Nye, 2008: 37) سیاست خارجی و شیوه اعمال آن در میزان قدرت نرم کشورها مؤثر است؛ بنابراین چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند باعث ترویج ارزش‌های مطلوب و بهره‌گیری از عنصر فرهنگ شود، قدرت نرم قابل توجهی را در سطح بین‌المللی ایجاد نموده است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۳) تفاوت‌های بنیادینی میان وجوه سخت و نرم قدرت وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود. این تفاوت‌ها عبارتند از:

- حوزه قدرت نرم، حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است در حالی که حوزه قدرت سخت امنیتی-نظامی می‌باشد.
- اعمال قدرت نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان است در حالی که، اعمال قدرت سخت عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها، اندازه‌گیری کرد.
- روش اعمال قدرت سخت استفاده از زور و اجبار است در حالی که در قدرت نرم، از روش القاء و اقتناع بهره‌گیری می‌شود.
- هدف در اعمال قدرت سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین است. در حالی که در چشم‌انداز اعمال قدرت نرم، هدف تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است.
- مفهوم امنیت در رهیافت‌های نرم‌افزارانه شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی است در حالی که این مفهوم در رهیافت‌های سخت‌افزارانه به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌گردد.
- مرجع امنیت در حوزه قدرت سخت دولت‌ها هستند در حالی که، مرجع امنیت در قدرت نرم محیط فراملی و فراملی (هویت‌های فراملی و جهانی) است.

- منابع قدرت نرم شامل فرهنگ، ایدئولوژی، عقاید، هویت تاریخی و ... است در حالی که منابع قدرت سخت عمدتاً تجهیزات نظامی است. برخورداری از تجهیزات نظامی پیشرفته می‌تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد اما به صورت مکمل و پس از ابراز و کار بست صحیح منابع قدرت نرم. (خاشعی و مراد امام زاده جعفر، ۱۳۹۰: ۵۶)

با توجه به مطالب بالا و با مدنظر قرار دادن اینکه اصول و اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران برگرفته از دین مبین اسلام است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که قدرت نرم، مهم‌ترین ابزاری است که ج.ا.ایران می‌تواند برای پیگیری اهداف خود در قبال مردم کشورهای درگیر بیداری اسلامی که خود نیز مسلمان هستند به کار برد.

درواقع، مردم کشورهای درگیر بیداری اسلامی که مهمترین ویژگی آن رهایی یافتن مسلمانان از دست نظام‌های استبدادی و تاحدودی مداخلات خارجی بوده بیانگر تلاش برای ایجاد نظم نوین است که براساس مکتب و فرهنگ اسلامی با هویتی سازش‌ناپذیر با ظلم و همچنین تلاش برای به قدرت رسیدن شکل گرفته و زمینه‌هایی را برای ج.ا.ایران به وجود آورده که هم می‌تواند تهدیدزا و هم فرصت‌ساز باشد. (ترکی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

آنچه به عنوان بیداری اسلامی یا ایدئولوژی هویت‌گرا در جهان اسلام محسوب می‌شود را می‌توان بخشی از قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست که در قالب رهیافت‌های نئولیبرالی و پیوند آن با هنجارهای سازه‌انگاران منعکس نمود. قالب‌های سازه‌انگارانه با رویکرد کاربرد قدرت نرم در اندیشه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همگونی بیشتری دارد. این شاخص‌ها و نشانه‌ها را می‌توان در ارتباط با رویکرد معناگرا به موضوع قدرت، بیگانه‌ستیزی و نفی سبیل در سیاست خارجی، آزادی عمل و کنش‌گرایی فعال در سیاست بین‌الملل، تعامل بر اساس برابری نقش‌ها و کنش‌گرایی هویتی در سیاست خارجی مورد توجه قرارداد. به این ترتیب مولفه‌هایی همانند عمل‌گرایی و بیگانه‌ستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نشانه‌هایی از کاربرد قدرت نرم دانست. (خسروی و میراشرفی، ۱۳۹۳: ۵۶)

ایران با تکیه بر قدرت نرم افزایش به‌ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، استقلال‌طلبی، مبارزه با صهیونیسم و ضدیت با سیاست‌های امپریالیستی غرب به‌ویژه آمریکا، توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و اقتدار نرم افزایش خود را در

عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند. (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹) در زیر به ابزارهای قدرت نرم جهت دستیابی به اهداف مورد نظر ج.ا.ایران پرداخته می‌شود:

۱. مهربانی*

در سطح فردی، مهربانی، نمودی از رفتار با دیگران است که با ایجاد جاذبه به عنوان منشأ قدرت نرم عمل می‌کند. اهمیت و جذابیت رفتار محبت‌آمیز به ویژه زمانی بهتر درک می‌شود که از سوی افرادی جریان یابد که به لحاظ سلسله مراتب رسمی یا غیر رسمی در موقعیت‌های برتری قرار دارند. رفتار مهربانانه یک مدیر با کارمندان زیردست یا با ارباب رجوع می‌تواند موجبات قدردانی و حمایت از مدیر را فراهم ساخته و مولد قدرت نرم باشد. مهربانی در عرصه سیاسی و بین‌المللی می‌تواند به منبع مهمی برای تولید قدرت نرم تبدیل شود. ج.ا.ایران می‌تواند با تأیید و حمایت از حرکت‌های انقلابی مردم، تأکید بر عدم مداخله ابرقدرت‌ها در امور داخلی و احترام به استقلال کشورهای مذکور، حمایت از اقدامات همکاری جویانه با حکومت‌های جدید در کشورهای درگیر تحولات، حمایت مالی از انقلابیون و ... از این ابزار بهره برداری نماید.^۱

۲. هوشمندی

هوشمندی نمود دیگری از عمل انسانی است که با جلوگیری از شکست یا ایجاد موفقیت می‌تواند به صورت مولد قدرت نرم عمل کند. انسان‌ها به دلایل مختلف از جمله حل مشکلات و موفقیت در برنامه‌های خود نگاه مثبتی به افراد با هوش و ذکاوت دارند. ذوق و مهارت در کسب موفقیت باعث ایجاد مقبولیت می‌شود و به تبع آن قابلیت تأثیرگذاری بر دیگران را افزایش می‌دهد.

هوشمندی در عرصه بین‌المللی شاخص‌های آشکاری دارد. به خصوص، مدیریت موفق دولت‌ها در دو عرصه امنیت و اقتصاد می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. ج.ا.ایران به عنوان یک کشور انقلابی، اسلامی و پیشرو حرکت‌های مردم‌کنونی از بدو انقلاب با موانع و تهدیدهای گوناگونی از جمله تحریم‌های به اصطلاح غربی‌ها فلج‌کننده، برای بازگشت از آرمان‌های اسلامی خود،

* مهربانی، هوشمندی و زیبایی به‌عنوان ۳ ابزار تولید قدرت نرم از تقسیم بندی الکساندر و وینگ اقتباس شده است. نگاه کنید به (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۶-۷-۸)

صرف نظر از حقوق مسلم خود و وابستگی دوباره به دول مستکبر غربی به ویژه آمریکا، مواجهه بوده اما توانسته با هوشمندی و بصیرت مردم و مسئولان بر این تهدیدها غلبه کرده و آنها را به فرصت تبدیل کند. این اقدام، قدرت نرم مناسبی را برای کشور جهت تأثیرگذاری بر سایر کشورهای اسلامی فراهم نموده است؛ چرا که به آنها ثابت شده که می‌توان بدون وابستگی به قدرت‌های جهانی و با اتکا به مردم، روی پای خود ایستاد و ضمن دستیابی به عزت و سربلندی، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک بسیار خوبی داشت. ادامه چنین حرکتی می‌تواند قدرت نرم کشور را افزایش داده و دستیابی به اهداف فراملی سیاست خارجی را تسهیل نماید.

۳. زیبایی

اهمیت و جذابیت زیبایی ریشه در این واقعیت دارد که با ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها و آرزوهای طبیعی انسان‌ها ارتباط دارد. در اینجا مقصود از زیبایی صرفاً زیبایی ظاهری نیست. زیبایی ممکن است به شکل علایق، اندیشه‌ها و نظریه‌های جذاب بروز نماید. البته از آنجا که زیبایی تا حدی یک مقوله نسبی است و درک آن از منظر افراد و گروه‌های مختلف ممکن است ناهمسان باشد، تأکید بر زیبایی در میان گروه‌هایی است که نگاه نسبتاً مشترکی در مورد زیبایی دارد. از آنجا که تحولات کنونی در کشورهای اسلامی رخ داده و تقریباً در میان همه مسلمانان ارزش‌هایی چون عدالت خواهی و ظلم ستیزی، ایثار، استقامت و شهادت در راه آرمان‌های اسلامی، تلاش در راه استقلال و آزادی از زیبایی خاصی برخوردار است. ج.ا.ایران که از بدو انقلاب خود همواره این ارزش‌ها را در عرصه عمل مورد لحاظ قرار داده و توانسته قدرت نرم مناسبی را در میان ملت‌های مسلمان به دست آورد. بالطبع تأکید بر این مسیر و کوتاه نیامدن در برابر تهدیدهای دشمنان می‌تواند کشور را به دلیل پابندی به این ارزش‌های زیبا، بیش از پیش در برابر چشمان ملت‌های منطقه عزیز گرداند.

۴. تمسک به قدرت نرم ارشادی به جای اغوایی

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۵۶ (لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی)، با صراحت اجبار پذیرش دین را نفی می‌کند، همان‌گونه که در این آیه شریفه سه مفهوم اجبار، ارشاد و اغوا به توالی آورده شده است، اصل پذیرش عقیده و انتخاب مسیر آزاد است و اسلام کسی را با اکراه و اجبار و

اغوا ملزم به پذیرش موعظه‌ی حسنه و جدال احسن (سوره نحل آیه ۱۲۵) و انتخاب احسن پس از چیزی نمی‌کند. در دعوت به اسلام اصیل، روش‌های حکمت (برهان و استدلال)، شنیدن سخنان گوناگون و تأمل و تفکر در مورد آنها (سوره زمر آیات ۱۷ و ۱۸) توصیه شده است. اولیای دین نیز همواره بر مباحثه و گفتگوی آزاد علمی با ارباب ادیان و عقاید تأکید کرده‌اند.

البته عدم اجبار در دین ملازم با امکان تبیین رشد از غی است. به این معنا که در چنین جوامعی باید مرزهای ارشاد از اغوا مشخص باشد و در این صورت است که توده‌ها و عموم مردم با عنایت به فطرت پاک و بصیرتی که در نتیجه تبیین به دست می‌آورند راه هدایت از گمراهی را تمییز می‌دهند. بنابراین، از این آیه قرآنی می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی، اموی، ماکیاولیستی و استکباری از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند؛ و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد، که قدرت‌های الهی، متجلی در حکومت انبیا، معصومین و صالحین از آن برای هدایت مردم بهره‌برداری می‌کنند.

برخی از متفکران غربی نظیر نوآم چامسکی و ادوار هرمان معتقدند که نقش تبلیغات و هیاهوی سیاسی در نظام لیبرال دموکراسی، همان نقش چماق و اجبار را در نظام‌های دیکتاتوری و تمامیت‌خواه ایفا می‌کند. عامل تعیین‌کننده در بقا و استمرار قدرت نخبگان حاکم در نظام‌های اقتدارگرا بیشتر از طریق به‌کارگیری زور و اجبار، و نه تبلیغات است. در عوض، اصحاب قدرت در دموکراسی‌های موجود در غرب بیشترین نیاز را به تبلیغات، به جای زور و اجبار، برای تداوم حکومت‌های خود دارند. در دموکراسی‌ها از لحاظ نظری این امکان برای اکثریت مردم وجود دارد که تغییرات اساسی را بر خلاف منافع دارندگان قدرت و ثروت به وجود آورند، اما در مقام عمل، صاحبان ثروت و قدرت با به‌کارگیری اشکال گوناگون تبلیغات رسانه‌های انحصاری و مسلط به دست‌کاری افکار و اذهان مردم می‌پردازند و با اغوا و فریب افکار عمومی، نقش اکثریت مردم را به تماشاگر و ناظر تقلیل داده و با ایجاد رضایت و اقبال در بین توده‌ها بقا و استمرار نظام‌های لیبرال دموکراسی را تضمین می‌کنند. (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۱)

برای تقریر به ذهن و تفکیک دو قدرت نرم مبتنی بر اغوا و ارشاد می‌توان دو نوع حکومت علوی و اموی را بایکدیگر مقایسه کرد. در این خصوص کلام ۱۹۱ حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به خوبی تفاوت بین این دو را نشان می‌دهد. معاویه با به‌کارگیری انواع فریب، اغوا و نیرنگ و نگاه به قدرت و دست‌یابی به حکومت به عنوان طعمه در جریاناتی مانند رویداد

حکمت تلاش کرد با سیاست فریبکارانه قرآن بر سر نیزه کردن نظرات مردم را به خود جلب کند. همانگونه که یک ماهی گیر برای به دام انداختن ماهیان، طعمه خود را به دریا می اندازد و ماهیان خود به طرف طعمه می روند و به صید ماهی گیر در می آیند. در حالی که امام علی (ع)، در نامه به عامل خود اشعث بن قیس در آذربایجان حکومت را به عنوان امانت در نظر می گیرد و نه لقمه چرب (نهج البلاغه، نامه ۵)، و در سخن معروف خود به ابن عباس و در هنگام وصله زدن به کفش پاره اش، تنها در صورتی که قدرت و حکومت وی منجر به احقاق حق و دفع باطل گردد واجد ارزش می داند. (نهج البلاغه، خطبه ۳) (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

۵. تقویت ایمان و تقوا و عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی

قرآن کریم بالاترین توجه خود را معطوف به ایمان و عمل صالح و صبر و استقامت انسان ها نموده است؛ در تفسیر نمونه درباره آیه ۸۲ سوره مبارکه انعام (کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خویش را به ستم شرک نیالودند، امنیت مخصوص آنهاست و هم ایشان هدایت یافته گانند). این گونه آمده: جنگ ها، تجاوزها، مفساد، جنایات و حتی امنیت و آرامش روحی تنها موقعی بدست می آید که در جوامع انسانی دو اصل حکومت کنند: ایمان و عدالت اجتماعی. اگر پایه های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد، یکی از مهم ترین منابع قدرت نرم از دست خواهد رفت. همچنین فراهم کردن امکانات دفاعی مناسب و نشان دادن عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی در برابر دشمنان باعث افزایش عزت و در نتیجه قدرت نرم نظام می شود. (متقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۴)

۶. تقریب مذاهب

تلاش در راه تقریب مذاهب مختلف اسلامی با استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی و فرهنگی، ابزار کارآمدی برای افزایش قدرت نرم کشور و تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مردم کشورهای درگیر بیداری اسلامی که از پیروان مذاهب مختلف هستند، محسوب می شود.

۷. دیپلماسی فعال و مؤثر در فضای مجازی

اگر دیپلماسی را مجموعه تدابیر و اعمالی بدانیم که عمدتاً از طریق مسالمت آمیز برای حصول

حداکثر تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود؛ باید گفت در دوران جدید و پیشرفت علم و فناوری در شکل دیپلماسی نیز تغییراتی عمده شکل گرفته است. در دیپلماسی نوین به جای دستکاری واقعیت‌ها به تولید واقعیت‌ها پرداخته شده و بازیگران سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های مجازی نوین ((تصویر مجازی)) از رقیبان خود تولید کنند که امکان جایگزین شدن با واقعیت را داشته باشد. بدین ترتیب ((واقعیت‌های مجازی)) شکل می‌گیرند که عمده افکار عمومی و تصمیم‌گیران آنها را پذیرفته‌اند و بر اساس آن تحلیل و حتی اقدام می‌کنند. امروزه که استفاده از این ابزار برای شکل‌گیری تصویری منفی از یک کشور نزد سایرین بسیار رایج شده است، به ویژه تصویر سازی منفی غرب علیه ج.ا.ایران برای جلوگیری از نفوذ اهداف و ارزش‌های آن در کشورهای اسلامی؛ فعال‌سازی دیپلماسی در فضای مجازی برای خنثی‌سازی تصویرهای منفی مذکور ضروری به نظر می‌رسد. (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰)

۸. بهره‌گیری از قدرت نهادی

یکی از راه‌های تثبیت قدرت نرم استفاده از نهادهای بین‌المللی است. اصولاً مردم هنجارهایی را که توسط سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود راحت‌تر می‌پذیرند. کشورها برای تأثیرگذاری بر حوادث و تحولات پیرامون خود نیازمند قدرت هستند. این قدرت الزاماً قدرت نظامی نیست. یکی از ابزارهای قدرت که کشورها در اختیار دارند و می‌توانند در مواقع ضروری از آن در جهت تحقق اهدافشان بهره‌براری کنند، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. این نهادها و سازمان‌ها به دلیل ماهیت بین‌المللی شان از مشروعیت کارآمدی در میان کشورها و مردم برخوردارند. ج.ا.ایران در راستای دستیابی به اهداف خود در قبال بیداری اسلامی می‌تواند از ابزار نهادهای بین‌المللی بهره‌ای مطلوب‌تر از آنچه تا کنون شده است، ببرد؛ بدین معنا که سازمان‌های بین‌المللی را که در آنها عضو است مانند سازمان همکاری اسلامی، اگو، جنبش عدم تعهد و ... به نقش‌آفرینی در حوادث منطقه مطابق دیدگاه‌های خود تشویق و ترغیب نماید؛ یا حتی به همراه دوستان و همپیمانان خود و شناسایی ظرفیت‌های بین‌المللی، به تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام کند. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۸)

۹. ابتکار عمل

داشتن ابتکار عمل و طرح برنامه‌ها و پیشنهادهای معقول و منطقی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که بتواند نظر موافق طرفین را جلب کند (برای مثال ارائه طرحی برای حل بحران کنونی سوریه)، افزون بر اینکه می‌تواند انقلاب‌های مردمی را با هزینه‌های کمتر و آسان‌تر به ثمر برساند، به طور طبیعی وزن و قدرت نفوذ ایران را در منطقه را افزایش خواهد داد.

۱۰. تنش‌زدایی و اعتمادسازی

افزایش نفوذ و قدرت یک کشور، به طور طبیعی سوءظن و احساس خطر را در دیگر کشورها برخواهد انگیخت. به دلیل تبلیغات منفی علیه ج.ا.ایران در چند دهه اخیر و در پی سیاست (ایران‌هراسی) به نظر می‌رسد، کشور ما از این حیث مورد سوءظن قرار گرفته است. در تحولات اخیر ج.ا.ایران از سوی کشورهای عربی به دخالت و تحریک معترضان داخلی این کشورها متهم است. این موضوع تا حد زیادی در حساسیت و نگرانی کشورهای عربی درباره ایران ریشه دارد. در چنین فضایی ایران باید با در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی، مواضع خود را معقول و مقبول جلوه دهد. ابتکارات همکاری‌جویانه از جمله موارد اعتمادساز به شمار می‌روند. اقدامات اعتمادآفرین و امنیت‌ساز، بازدارندگی مستحکم بین کشورهای مختلف ایجاد می‌کند و این امر، شرایط مساعدی را برای افزایش تعاملات و نفوذ کشور فراهم می‌کند.

۱۱. دیپلماسی آکادمیک

با توجه به حضور فعال و گسترده قشر جوان و دانشجو در انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی، دیپلماسی آکادمیک، ظرفیت‌های بسیاری در اختیار کشور قرار خواهد داد که می‌توان از آنها برای کمک به تحقق اهداف خود بهره برد؛ ضمن آنکه با توجه به غیررسمی بودن این نوع دیپلماسی، تهدیدهایی که در روش‌های دیگر مطرح می‌شوند، در این مدل وجود ندارد. از جمله این ابزارها عبارتند از: دعوت از استادان، علما و دانشجویان کشورهای اسلامی؛ تبادل دیدگاه‌ها و تجربه‌ها؛ برگزاری کنفرانس‌های مشترک؛ اجرای پروژه‌های مشترک علمی؛ گسترش تبادلات علمی بر پایه فن‌آوری از طریق ایجاد فرصت‌های مطالعاتی مشترک؛ توسعه

همکاری‌ها در قالب سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای و بررسی کرسی آزاد اندیشی برای بررسی ابعاد جنبش و شناخت صحیح آن و تعیین راهبردهای اصولی و کارآمد.

۱۲. دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز در این زمینه

از آنجا که در دنیای کنونی و در عصر ارتباطات رسانه‌ها، حرف اول را در جامعه‌پذیری داخلی و بین‌المللی می‌زنند، استفاده از این ابزار جهت ارائه دیدگاه‌های ج.ا.ایران به صورت درست و واقعی و خنثی نمودن تصویرسازی منفی درباره کشور ضروری می‌باشد. در این راستا استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا از جمله ساخت ماهواره برای پخش برنامه‌های رسانه ملی در سراسر جهان، توسعه کمی و کیفی برنامه‌ها و شبکه‌ها، تولید برنامه‌های ارزشی، برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی رسانه‌های داخلی، استفاده از ظرفیت اتحادیه‌های رسانه‌ای بین‌المللی و همکاری با رسانه‌های گروهی منطقه بر اساس منافع مشترک، می‌تواند قدرت نرم کشور را در جهت تأثیر گذاری بر تحولات منطقه، افزایش دهد. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۰)

نتیجه‌گیری

ماهیت رقابتی و پرتحول بیداری اسلامی به گونه‌ای است که همه بازیگران بین‌المللی (در رأس آنها آمریکا و اتحادیه اروپا) و منطقه‌ای (عربستان سعودی، ترکیه و قطر) سعی دارند نظم جدیدی را بر اساس منافع و امنیت ملی خود تقویت نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست. با توجه به اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه که برخاسته از دین مبین اسلام است و ماهیتی فرهنگی دارد، اهدافی چون خروج کشورهای درگیر تحولات از ائتلاف ضد ایران در جهان عرب؛ صدور انقلاب؛ الهام بخشی در جهت گسترش فرهنگ اسلام سیاسی و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر اسلام (مردم سالاری دینی)؛ گسترش وحدت جهان اسلام و توسعه همگرایی با حکومت‌های جدید؛ ارائه یک چهره مثبت به مردم منطقه از ج.ا.ایران؛ خنثی سازی طرح خاورمیانه بزرگ؛ تلاش در جهت یکسان سازی قواعد هنجاری میان کشورهای مسلمان؛ مقابله با برنامه‌های غرب برای استحاله فرهنگی به ویژه مقابله با فرهنگ شیعی؛ و گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مذکور را مد نظر دارد.

با توجه به اهداف فوق، مقاله حاضر استفاده از قدرت نرم، دیپلماسی رسانه‌ای و ابزارهای مورد استفاده در تولید و تثبیت این قدرت که عبارت‌اند از: مهربانی در عرصه سیاسی و بین‌المللی، با شاخص‌هایی چون تأیید و حمایت از حرکت‌های انقلابی مردم، تأکید بر عدم مداخله ابرقدرت‌ها در امور داخلی و احترام به استقلال کشورهای مذکور، حمایت از اقدامات همکاری‌جویانه با حکومت‌های جدید در کشورهای درگیر تحولات، حمایت مالی از انقلابیون و...؛ هوشمندی با شاخص مدیریت موفق دولت در دو عرصه امنیت و اقتصاد؛ زیبایی، با شاخص‌هایی چون عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، ایثار، استقامت و شهادت در راه آرمان‌های اسلامی، تلاش در راه استقلال و آزادی که در چشم مردم درگیر موج بیداری اسلامی، زیبایی و اثر بخشی بالایی دارد؛ تمسک به قدرت نرم ارشادی به جای اغوایی و پرهیز از تبلیغات فریبکارانه و هیاهوی سیاسی؛ تقویت ایمان و تقوا و عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی چرا که اگر پایه‌های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم نظام از بین می‌رود و همچنین فراهم کردن امکانات دفاعی مناسب و نشان دادن عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی در برابر دشمنان در عمل باعث افزایش عزت و در نتیجه قدرت نرم نظام می‌شود.

تقریب مذاهب؛ دیپلماسی فعال و مؤثر در فضای مجازی برای گسترش ارزش‌های انقلاب با توجه به وقوع انقلاب ارتباطات و همچنین خنثی‌سازی تصویرهای منفی از انقلاب؛ بهره‌گیری از قدرت نهادی؛ ابتکار عمل و طرح برنامه‌ها و پیشنهادهای معقول و منطقی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که بتواند نظر موافق طرفین را جلب کند؛ تنش‌زدایی و اعتمادسازی جهت برطرف کردن سوءظن‌ها و ایجاد یک فضای تعامل مثبت؛ دیپلماسی آکادمیک جهت تأثیر گذاری بر قشر دانشجو در کشورهای درگیر تحولات و نهایتاً دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز در این زمینه برای انتقال پیام انقلاب و خنثی‌سازی تصویرهای منفی، را مهم‌ترین ابزار در راستای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه مطابق ارزش‌ها، آرمان‌ها و دیدگاه‌های کشور می‌داند. نکته مهم اینکه ابزارهای یاد شده تنها در صورتی کارایی مناسبی خواهند داشت که همگرایی لازم در میان تمام نهادها، چه رسمی و چه غیررسمی وجود داشته باشد. در مقابل، هرگونه موازی‌کاری و ناهماهنگی میان نهادهای مرتبط، مانع مهمی در راه استفاده از ابزارهای مذکور در راستای تحقق اهداف مورد نظر می‌باشد.

منابع:

۱. باربر، جیمز، اسمیت، مایکل (۱۳۸۱). ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه حسین سیف زاده، تهران: قومس، چ سوم.
۲. برزنونی، محمد علی (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در برابر ناتوی فرهنگی غرب»، فرهنگ و علم، سال اول، شماره اول، بهار.
۳. ترکی، هادی (۱۳۹۵). «فرصتها و چالشهای منطقهای ایران با تأکید بر بیداری اسلامی در یمن»، چکیده مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقهای در غرب آسیا، به اهتمام سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، بهزاد احمدی لفورکی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، به اهتمام سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، بهزاد احمدی لفورکی.
۴. خاشعی، وحید، مراد امام زاده جعفر، مهرداد (۱۳۹۰). «درآمدی سیاست‌گذارانه بر کارایی قدرت نرم در صحنه روابط بین‌الملل»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
۵. خسروی، محمد علی، میر اشرفی، سید نورالله (۱۳۹۳). «قدرت نرم و جایگاه آن در امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۶، تابستان.
۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۷). صحیفه، تهران: شرکت افست، ج ۱۷.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت، چ سوم، پاییز.
۸. رهبر، عباسعلی، نجات پور، مجید، موسوی نژاد، مجتبی (۱۳۹۴). «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز.
۹. پیشگاهی فرد، زهرا، قالیباف، محمدباقر، پورطاهری، مهدیف صادقی، علی (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، بهار.
۱۰. عیوضی، محمد رحیم، امامی، اعظم (۱۳۹۰). «فرآیند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.

۱۱. قربانی شیخ نشین، ارسلان، کارآزما، جواد (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.
۱۲. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰). «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، پاییز.
۱۳. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزارانه جمهوری اسلامی ایران، تهران: شادان، چ اول.
۱۴. متقی زاده، احمد (۱۳۹۰). «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، پاییز.
۱۵. محمدی، منوچهر، متقی، ابراهیم (۱۳۸۴). «چشم انداز بیست ساله دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی (۲)»، راهبرد یاس، سال اول، شماره سوم، پاییز.
۱۶. مرجانی نژاد، احمد (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی و جمهوری اسلامی ایران»، ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگیان ج.ا. ایران در خارج از کشور، سال اول، شهریور.
۱۷. منصوری، جواد (۱۳۸۳). «سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با بیداری اسلامی»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰، تابستان.
۱۸. هرسیج، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
۱۹. هزاوه‌ای، سید مرتضی (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، پاییز.

20. www.khamenei.ir

21. Nye, Josephs (2004), Soft Power, Public affairs.

22. Nye, Josephs (2008), Soft Power Super Power, New York.